آینه

اعتماد

یادداشت: «جای خالی «دیالوگ» در یک استعفا»؛ جواد دلیری

چالش موجود نه کناره‌گیری آقای نجفی و نه پذیرش استعفای ایشان است، آنچه آزردگی و ضعف و انتقاد را دربر دارد، نوع اطلاع‌رسانی و روشنگری در این موضوع است. «روحانی» و «نجفی» آنچنان که از تلاش‌های ارجمندشان آگاهی داریم، کاری سترگ برعهده گرفتند و باری بزرگ در این ماه‌ها بر دوش کشیدند. آقای رییس‌جمهور، روزهای نخست کاری خود به درستی اشاره کردند که «دوران مونولوگ رسانه‌ای دیگر سپری شده است، در رسانه باید با مخاطب رابطه دوسویه برقرار شود.» این سخن برای ایشان و ما یک اصل است. اما به راستی در ماجرای استعفای آقای نجفی این اصل رعایت شد؟ ما اهالی رسانه معتقدیم نشد. ناشفاف‌بودن فضای فعالیت آقای نجفی چنان بود که در این ماه‌ها و روزها برای مردم و اصحاب رسانه پرسش‌های ملامتگرانه بسیاری به‌وجود آمده، امروز همه می‌پرسند چرا این «استعفا» رخ داد؟ اگر دلیل اصلی بیماری ایشان باشد، آقای نجفی از دوران عضویت در شورا مشکل بیماری قلب داشته‌اند پس باید هنگام انتصاب به این نکته توجه می‌شد، اگر ایشان با مدیران میانی خود اختلاف داشتند و به نوعی آنان روسای در سایه بودند که بر اساس اصول مدیریتی، حق باید با آقای نجفی می‌بود و البته شاید آقای نجفی برای سمت دیگری استعفا داده‌اند. هر کدام از این برداشت و تحلیل‌ها درست باشد، آقای رییس‌جمهور و دستگاه اطلاع‌رسانی ایشان باید زودتر از پخش شایعات و شبه‌خبرها عمل می‌کردند. جناب آقای رییس‌جمهور! روشنگری از مرز باریکی بین شایعه و خبر می‌گذرد.

کیهان

سرمقاله: «آنها کجا هستند؟!»؛ حسین شریعتمداری

در بسیاری از موارد با نیروهای مومن و متعهدی برخورد می‌کنیم که از فساد و پلشتی در برخی از مراکز دل‌خونی دارند و هنگامی که از آنها می‌خواهیم، اسناد و گزارش‌های خود را در اختیار مسوولان و مراکز ذی‌صلاح بگذارند، با سه‌نوع پاسخ روبه‌رو می‌شویم. برخی از آنان معتقدند که مراکز مربوطه از ماجرا باخبرند! شماری می‌گویند، موضوع را با مراکز مورد اشاره در میان گذاشته‌ایم و پاسخی نگرفته‌ایم! و تعدادی نیز، اظهار می‌دارند که دسترسی به مراکز یادشده آسان نیست! و... بدیهی است که اقدام - هر چند دیرهنگام - دستگاه محترم قضایی برای مقابله با مفسدان اقتصادی و بازگرداندن اموال به غارت‌رفته یا بیرون از روال قانونی به تصاحب درآمده، در خور تقدیر است ولی چرا «علاج واقعه» به بعد از وقوع موکول شده است؟! پیگیری جدی عزیزان دست‌اندرکار در قوه‌قضاییه از عزم راسخ آنان برای مقابله با مفاسد اقتصادی حکایت می‌کند و همان‌گونه که در نمونه اخیر - و ده‌ها نمونه دیگر- شاهد بوده‌ایم، بسیاری از آنان از جمله آیت‌الله آملی ریاست محترم قوه‌قضاییه نسبت به پیشگیری از بروز فساد اقتصادی نیز حساسیت ویژه و بعضا مثال‌زدنی داشته‌اند، بنابراین باید پرسید؛ چه کسانی و چه دست‌هایی در این مسیر سنگ‌اندازی کرده و می‌کنند؟! برخورد جدی با مفاسد اقتصادی یکی از اصلی‌ترین عوامل زمینه‌ساز برای رسیدن به الگوی اقتصاد «درون‌نگر»، «منهای نفت» و یا اقتصاد مقاومتی است.

قانون

یادداشت: «گزارش ویژه‌خواری و انبوهی «چرا»»؛ مهدی تقوی

در سال‌های اخیر به جای آنکه عبارت «چرا» روی برخی گزاره‌ها نقش ببندد، اصل موضوع به‌عنوان گله و شکایت مطرح می‌شود. مثلا می‌گویند معوقات بانکی به ۸۰هزارمیلیاردتومان رسیده است. جالب است که در میان‌گذاشتن این خبر با مردم هیچ ثمری که ندارد، آسیب‌های جدی‌ای را نیز متوجه اقتصاد می‌کند. دانستن اینکه ۲۳هزارمیلیاردتومان از معوقات بانکی در دست ۱۷۳نفر است، چه دردی از ما دوا می‌کند. ما می‌خواهیم بدانیم «چرا» این حجم اعتبار در اختیار این آدم‌هاست... این «چرا» اتفاقا «چرای» بزرگی است. دولتمردان ما اصل خبر را به‌عنوان گلایه مطرح می‌کنند حال آنکه باید از نهادهای نظارتی بپرسند که چرا این وضعیت ایجاد شده... بهتر است دولت به جای مانورهای تبلیغاتی بر مساله مبارزه با فساد دست به کاری واقعی بزند. تدوین گزارش و ارایه به رییس‌جمهور صرفا کار بدی نیست اما اینکه نتیجه‌ای حاصل نشود بسیار بد است.

جوان

یادداشت: «مجمع روحانیون، جنگ‌افروزی واپسگرا»؛ محمد اسماعیلی

مجمع سیاسی روحانیون مبارز... تا دیروز جزءبه‌جزء سناریوهای جین‌شارپ و مایکل‌لدین را در داخل کشور پیاده‌سازی کرد و در خردادماه ۸۸ با بیانیه‌ای رسما مردم را به قیام خیابانی علیه جمهوری‌اسلامی ایران فراخواند و امروز به هر بهانه‌ای، از درایت و کیاست رهبری می‌گوید، غم مردم مسلمان منطقه را می‌خورد و از لزوم وحدت و همدلی در کشور جامعه اسلامی سخن به میان می‌آورد..... در جدیدترین بیانیه... به مناسبت دهه فجر... این مجمع سیاسی... با انتخاب واژگانی خاص، به‌گونه‌ای از لزوم حفظ برادری، همدلی و وحدت در جامعه سخن می‌گوید که انگارنه‌انگار هشت‌ماه تمام برادرکشی را در کشور باب کرده و با عزت و صلابت و غرور ملت و نظام در دنیای غرب و شرق بازی کردند... شوربختانه این نمایش تاکتیکی در دل راهبرد دیگری تعریف شده که نه‌تنها سازنده نیست، بلکه اهدافی مخرب را دنبال می‌کند که «مشروعیت‌زایی و زمینه‌سازی برای بازگشت رسمی طیف متبوع‌شان به حاکمیت» از آن جمله است... چطور می‌توان به وساطت افرادی که خود لیدر شهرآشوب بودند برای فراموشی کینه و آشتی ملی اطمینان کرد؟

عکس: میلاد پیامی/شرق

صفایی فراهانی در گفت‌وگو با «شرق»:

روحانی «سوپرمن» نیست

شرق: دولت حسن روحانی اگرچه در حوزه‌هایی مانند دیپلماسی و اقتصاد دستاوردهای چشمگیری داشته است اما تلاش‌هایش در حوزه سیاست داخلی به ظهور و بروز بیرونی چندانی نینجامیده است. او به‌خوبی می‌داند بخش عمده‌ای از حامیانش انتظارات جدی پیرامون گشایش فضای سیاسی کشور دارند؛ انتظاراتی که البته همه می‌دانند اراده دولت به‌تنهایی برای تحقق آن کافی نیست. بدنه اجتماعی هوادار دولت امروز حق دارند مسوولان را در برابر پرسش‌هایی قرار دهند که برای رسیدن به پاسخ آنها نام روحانی را روی برگ رای خود نوشته‌اند.

آیا عملکرد دولت روحانی در حوزه سیاست داخلی قابل‌قبول بوده است؟ در این مدت او چه کارهایی برای برچیدن فضای غرسیاسی حاکم بر کشور طی سال‌های گذشته انجام داده است؟ برای رسیدن به پاسخ این سوالات محسن صفایی‌فراهانی فرد مناسبی است؛ فردی که در تمام سال‌های پس از انقلاب همواره در متن جریانات سیاسی حضور داشته و مناسبات فضای سیاسی ایران را به‌خوبی می‌شناسد. او معتقد است بدون تنش و رسانه‌ای‌کردن تلاش‌ها بهتر می‌توان به نتیجه رسید. برای این مدعا یک خاطره هم دارد. خاطره چهارماه تلاش برای آزادی ۱۴۰دانشجوی ماجرای کوی‌دانشگاه بدون جنجال رسانه‌ای او را به این باور رسانده که مذاکره نباید به جامعه منتقل شود.

اگر بخواهید در نگاهی کلی عملکرد دولت روحانی را در حوزه سیاست داخلی تحلیل کنید چه مواردی به نظرتان می‌رسد؟

به‌هرحال دولت آقای روحانی قبل از روی‌کارآمدن مسایل کشور را کاملا می‌دانست و به آن واقف بود. مطمئنا آنچه می‌گفت می‌دانست و اگر قولی می‌داد ابعاد آن قول برایش کاملا روشن بود. ایشان سال‌ها دبیر شورای امنیت ملی بود و سال‌ها نمایندگی مجلس را برعهده داشت و پس از انقلاب همیشه در حاشیه قدرت حضور موثر داشت. به‌خصوص که در مرکز مطالعات استراتژیک اطلاعات دقیقی به دستش می‌رسید. بنابراین در اینکه ایشان به مشکلات کاملا واقف بود و شرایط برون‌رفت از آنها را می‌شناخت شکی وجود ندارد اما اینکه واقعا آیا با شرایطی که ایران دارد تحقق همه وعده‌ها و دغدغه‌ها در کوتاه‌مدت میسر است یا خیر مساله دیگری است.

من در جهت دفاع از دولت حرف نمی‌زنم اما فکر می‌کنم اگر هر آدم دیگری در پایگاه قدرت قرار می‌گرفت چقدر زمان لازم داشت تا بتواند همه مشکلات را حل کند. طبیعی است که مهم‌ترین مشکلی که دولت با آن مواجه است موضوع اقتصاد است. وقتی دولت می‌گوید در شروع کار در پرداخت حقوق کارمندان هم مشکل داشته است، حاکی از این است که دولت باید علی‌القاعده اولویت‌بندی کرده باشد. بنده نه در دولت هستم و نه با دوستان دولتی ارتباط خاصی دارم ولی به‌عنوان کسی که در تمام سال‌های بعد از انقلاب به‌نوعی مسایل کشور را می‌دانستم و پیگیری می‌کردم به این فکر می‌کنم خودم چگونه اولویت‌بندی می‌کردم؟ پدیده مشکلات اقتصادی تمام جامعه ایران را در بر گرفته و مطمئنا پراهمیت‌ترین و مشکل‌سازترین مساله است که اگر به‌سرعت به آن پرداخته نشود نمی‌توان سراغ سایر حوزه‌ها رفت، اما اینکه ما تصور کنیم رییس دولت می‌تواند به‌تنهایی همه این کارها را انجام دهد اشتباه است. قانون‌اساسی ایران طوری نوشته شده که اختیارات رییس‌جمهوری محدود است و حداکثر ۲۰درصد اختیارات کشور را برعهده دارد. البته می‌تواند پیگیری، سازماندهی و برنامه‌ریزی مناسب داشته باشد تا از تمام امکانات استفاده کرده و با حداقل تنش به نتیجه برسد. من مطمئنم رفتن سراغ تنش برای رییس دولت در این شرایط مناسب نیست. ایجاد تنش با مجلس و قوه‌قضاییه و کشاندن مشاجرات به سمت مردم، جواب نمی‌دهد. ممکن است عده‌ای را راضی کند که این بحث‌ها علنی می‌شود اما باید نتیجه آن را دید که آیا فقط در لفظ می‌ماند یا به عمل هم می‌رسد. یکی از مشکلات ما این است که وقتی مثلا رییس دولت می‌گوید من فلان موضوع را افشا می‌کنم بسیاری خوشحال می‌شوند و می‌گویند او جرات کرده این حرف‌ها را بزند باید دید جرات بیان آن مساله آیا به رفع مشکل در عمل می‌انجامد یا خیر. اگر ما در کشوری بودیم که بر اساس پارلمانتاریسم حرکت می‌کردیم، احزاب هم قدرت داشتند و رییس دولت نماینده یکی از احزاب و متکی به بخش عمده‌ای از آرای مردم و نمایندگان بود افشاکردن شاید می‌توانست راهگشا باشد اما در کشور ما که چیزی به نام پارلمانتاریسم و قدرت حزبی معنا ندارد رفتن به‌دنبال چنین روش‌هایی جواب نمی‌دهد.

آیا دولت به همان اندازه که برای حل موضوعات اقتصاد وقت و توان می‌گذارد به مباحث سیاسی هم اهمیت می‌دهد؟

واقعا من از این موضوع اطلاع ندارم اما اینکه این موضوع باید در اولویت دولت باشد درست است. به‌هرحال در صحبت‌های خوزستان هم ایشان اذعان کرد که به قول‌هایم پایبند هستم. ایشان شخصیتی حقوقدان است و به قول‌دادن کاملا واقف است و وقتی می‌گوید «پایبندم» حتما مکانیسمی را طراحی کرده که تک‌تک مسایل را با روش‌هایی که در ایران نتیجه می‌دهد، دنبال کند. روش‌ها در ایران با دنیا متفاوت است. شما آمریکا را ببینید. یک دولت را تعطیل می‌کنند اما هیچ‌کدام از دو نهاد درگیر این موضوع، برخلاف منافع ملی آمریکا از ابزار سیاسی خود بهره نمی‌برند ولی اینجا شرایط به‌گونه دیگری است. اگر بی‌تدبیری صورت گیرد منافع ملی کاملا با مخاطره مواجه می‌شود. تجربه این سال‌ها به من می‌گوید ایجاد تنش در ایران منجر به نتیجه نمی‌شود و مشکلات اساسی‌تری را به‌وجود می‌آورد.

برای بازگرداندن یک قطار به ریل بالاخره تنش‌ها و تکان‌هایی پدید می‌آید.

بله، ولی آیا باید این تنش‌ها را علنی کرد یا اینکه با تدابیری با آن برخورد کرد؟ به‌هرحال این وزارت ارشاد فعلی با قبلی قابل مقایسه نیست. ما نمی‌گوییم ایده‌آل‌ترین وزارت ارشاد همین است ولی ما از بدتر به بد رفته‌ایم و باید روند رسیدن به مطلوب را طی کنیم.

این روند را می‌توان ادامه داد؟

بگذارید مساله را با یک مثال روشن کنم. ببینید این واقعیت‌ها که موضوع رفع حصر و زندانیان سیاسی هنوز حل نشده موجود است. من در مجلس ششم از طرف آقای کروبی به‌همراه سه‌نفر دیگر مسوولیت داشتم که به موضوع دانشجویان زندانی رسیدگی کنم. به‌هرحال آن پیگیری‌های ما چهارماه طول کشید.

چه کسانی در آن کمیته عضو بودند؟

بنده، آقای ابوترابی، آقای کیان‌ارثی و آقای میرمحمدی که البته بیشتر من و آقای ابوترابی کار را پیگیری می‌کردیم و مسوولیت اجرایی با من بود. همان زمان بسیاری از دوستان در مجلس به من می‌گفتند نتیجه کارهایت را رسانه‌ای کن اما من مخالف بودم. علتش هم این نبود که نگران باشم اما می‌دانستم اگر آن کار را انجام دهم کار یک‌هفته‌ای یک‌ماه زمان می‌برد. ۱۴۰دانشجو در زندان بودند که من باید اینها را از آنجا بیرون می‌آوردم.

فهرستی که به شما دادند ۱۴۰ نفر بود؟

بله و همه آنها بیرون آمدند.

چه سالی؟

سال ۸۱.

البته برخی بازداشتی‌های کوی هم بودند که گفته می‌شود هنوز سرنوشتشان مشخص نیست.

ببینید اسامی کسانی که اصلا معلوم نبود کجا هستند به من داده نشد. من یک فهرست ۱۴۰نفری تحت عنوان دانشجویان زندانی داشتم و بعد از چهارماه تلاش بحمدالله همه آنها آزاد شدند. فهرست را هم دانشگاه‌ها داده بودند نه قوه‌قضاییه. عبدالله مومنی و مهدی شیرزاد را به خاطر دارم که در آن فهرست بودند.

آن فهرستی که درگیر شده بودند و همه ۱۴۰نفر را گرفته بودند، آزاد شدند. غرضم از بیان این مطلب این بود که نوع عمل انجام شده بدون تنش و آرام بود. سعی ما این بود که در آرامش مساله را پیش ببریم و جواب هم گرفتیم. نمی‌دانم آیا الان هم دولت در حال پیش‌بردن کار به همین شکل است یا خیر، اما برایندی که در بیرون می‌بینیم بسیاری از مسایل امروز با اردیبهشت‌ماه قابل مقایسه نیست، تغییر ۱۸۰درجه‌ای در ایران کار آسانی نیست. یک حالت دیگر هم وجود دارد که بگوییم دولت مومن به شعارهایش نیست که من این موضوع را قبول ندارم. مسیر رسیدن به شعارها سنگلاخ است ولی اگر مومن باشند به نتیجه‌می‌رسانند.

آیا بروز و ظهوری از تلاش‌های پشت‌پرده احتمالی دولت دیده می‌شود؟

قانون و قانونمندی و اجرای آن یک بحث است، سلیقه یک بحث دیگر. اگر مکانیسم‌های قدرتمند قانونی در نهادها جاری بود بسیاری از صحبت‌های شما راحت عملیاتی می‌شد اما از آنجایی که ابزارهای مختلفی در اختیار مسوولان مختلف قرار دارد آنها با استفاده از آن اعمال سلیقه می‌کنند.

این سخن شما به این معناست که گاهی اعمال سلیقه در برابر اراده یک دولت قرار می‌گیرد؟

دقیقا. عید غدیر بحث این بود که اتفاق‌هایی قرار است بیفتد، اما شما دیدید که هیچ اتفاقی نیفتاد. این نشان می‌دهد ما با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که تا آن را لمس نکنید و نشناسید نمی‌توانید آن را تحلیل کنید.

شما در موضوع دانشجویان زندانی این پدیده را لمس کردید و شناختید.

بله کاملا.

این پدیده را برای ما هم باز می‌کنید تا کمی رفتارهایش قابل تحلیل شود؟

نه (می‌خندد). راه مقابله واقعی با این پدیده، قانون‌گرایی است. اگر مکانیسم‌های قانونی به وجود بیاید و همه محدود در قانون شوند کار جلو می‌رود اما وقتی سال‌هاست قانون فراموش شده بازگشت به قانون کار بسیاری سختی است. یک‌شبه نمی‌توان راه ۱۰ساله را رفت. من نمی‌خواهم بگویم روحانی «سوپرمن» است اما کسانی که مسایل اجرایی را می‌شناسند، می‌دانند که پیش‌بردن کشور با تکیه بر قانون، کار بسیار سختی است. من از برنامه‌های دولت اطلاعی ندارم. همین الان بعد از ۱۱سال از ماجرای دانشجویان زندانی نمی‌توانم جزییات مذاکرات و رفتن‌وآمدها و اتفاقاتی که افتاد را بازگو کنم؛ بنابراین شاید توقع زیادی باشد اگر بخواهیم دولت بگوید در راستای بازکردن فضای سیاسی کشور و رفع حصر چه کارهایی تاکنون انجام داده است. البته اگر برنامه داشته باشند، می‌توانند به نتیجه برسانند. این همه سنگ‌اندازی به چه دلیل است؟ همه اینها نگران موضوع هستند؟ واقعا این همه نگرانی دارند؟ وقتی روی پدیده مربوط به هسته‌ای چنین حجمی از مقاومت را می‌بینید باید در مورد بقیه موارد خودتان حدس بزنید چه خبر است. آقای ناطق چندی پیش اعلام کرده بودند تمام تصمیمات اینچنینی با نظر مقامات ارشد نظام گرفته می‌شود و اگر مخالفتی داشته باشند دولت کاری نمی‌کند. همین الان به‌شدت وزیرخارجه کشور را مورد اهانت قرار می‌دهند در حالی که رهبری برای تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای از لفظ «فرزندان انقلاب» استفاده کرده است.

راه اصلاح و بازگشت به پیش از ۸۴ در حوزه سیاست داخلی چیست؟

طبیعی است که کمی به زمان احتیاج داریم و دولت به‌تنهایی نمی‌تواند تغییرات اساسی که انتظار آن وجود دارد را پیش ببرد. دولت می‌تواند با پیگیری و ممارست، بخش‌هایی که در اختیار خودش نیست را هم به نتیجه مطلوب برساند. من امیدوارم دولت آقای روحانی با تدبیر تلاش‌هایش را گسترش دهد تا کسانی که قدرت تصمیم‌گیری با خودشان است به این جمع‌بندی برسند که تغییر شرایط به‌نفع کشور و مردم است. شرایط سیاسی کشور باید به نحوی باشد که امید را در کشور زنده کند. امید است که انگیزه بالا ایجاد می‌کند و بهره‌وری را بالا می‌برد. نباید فکر کنیم بهره‌وری فقط با آموزش‌های خاص خودش بالا می‌رود. در کشور ما نرخ بهره‌وری بسیار پایین است. یکی از مهم‌ترین دلایل پایین‌آمدن نرخ بهره‌وری به موضوعات سیاسی بازمی‌گردد و قبول اینکه مردم به حقوق خودشان برسند و اختیار تصمیم‌گیری داشته باشند. حقوق مردم به‌عنوان شهروندان باید محترم شمرده شود. تمام این کار هم با دولت نیست.

بدنه اجتماعی حامیان دولت انتظار دارند گام‌هایی برداشته شود. یک ضلع دیگر این ماجرا مردم و فعالان سیاسی و اجتماعی هستند. نقش سایر عوامل در رسیدن به مطالبات چیست؟

به نظر من بیشترین نقش با رسانه‌هاست. مردم باید با ساختار حقوقی ایران آشنا شوند. به دلیل نوع فرهنگی که پیش از انقلاب به وجود آمده بود ما دولت را با حکومت مساوی در نظر می‌گیریم. درحالی‌که با قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی دولت فقط قوه‌مجریه را دارد و هماهنگی بین قوا با دولت نیست. قانون اجرایی اختیارات دولت وضع نشده است. مشخص نیست که دولت چگونه باید قانون‌اساسی را اجرا و از آن پاسداری کند. من فکر می‌کنم رسانه‌ها باید این موضوع را تبیین و خواسته‌های معقول را طرح کنند و بر اساس اختیار دولت از او انتظار داشته باشند.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

مدیریت زنان در دوران اصلاحات

علاوه بر معاونت زنان در برخی وزارتخانه‌ها، زنان مدیرکل، رییس اداره و در استان‌ها معاون استاندار، مدیرکل، فرماندار و بخشدار شدند و پس از انتخابات شوراها که به‌یک‌باره بیش از هزار زن را وارد مدیریت شهری و روستایی کرد، زنان در برخی شهرستان‌ها ریاست شورا و نیز شهرداری را تجربه کردند.

آنچه مسلم است در دو دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی زمینه‌سازی و بسترسازی لازم برای مدیریت زنان در سطح کلان و حضور آنان در شوراهای سیاستگذاری و تصمیم‌گیری انجام شد.

همچنین بالارفتن سطح آموزش و بهره‌مندی فزاینده زنان از تحصیلات تکمیلی و دوره‌های تخصصی و فوق‌تخصصی در کنار کسب تجربه در حوزه دولتی، خصوصی، عمومی و سازمان‌های غیردولتی هرگونه بهانه برای این حضور و قرارگرفتن در جایگاه مناسب و متناسب با توان، تجربه و تخصص را از میان برد و به همین دلیل پیشنهاد زنان برای وزارت خانه‌های بهداشت و آموزش‌وپرورش واکنش منفی برنیانگیخت هرچند تلقی عمومی این بود که این اقدام نمایشی و فرمایشی است اما عملکرد خوب و قابل قبول دکتر مرضیه وحیددستجردی فارغ از نقدهایی که به ایشان وارد شد، موید این امر است که فی‌نفسه هیچ خط قرمز و به عبارتی سقف شیشه‌ای برای ارتقای جایگاه زنان در ایران وجود ندارد و تنها سلایق و نگرش‌های مدیران ارشد است که شرایط را مناسب یا نامناسب دیده و بر آن مبنا عمل می‌شود.

با این سابقه‌ای که از مطالبات زنان و نیز آمادگی افکارعمومی برای پذیرش مدیریت زنان در سطوح عالی وجود دارد، البته موجب تاسف است که دولت تدبیر و امید باوجود وعده‌های انتخاباتی ضرورت وزارت زنان را نادیده گرفت و همین بی‌عنایتی رییس‌جمهور موجب شد که وزرا نیز به ایشان تأسی و از این مسوولیت شانه خالی کنند و به این ترتیب بار دیگر رتبه ایران در زمینه مدیریت زنان پایین و پایین‌تر بیاید به طوری که امروز معاونت زنان ریاست‌جمهوری به گفته خانم مولاوردی برای تهیه گزارش برای سازمان‌های بین‌المللی از جمله اتحادیه بین‌المجالس دچار مشکل شده است. بی‌تردید ارایه نمودارهای تطبیقی مشارکت سیاسی زنان و حضور در کرسی‌های سیاسی بر اساس آمار موجود می‌تواند داوری‌های ما را واقع بینانه‌تر کند.